

عظماى خود را آغاز کرده است. آیا او رویه محتاطانه گذشته‌اش را ادامه خواهد داد؟ یا آلمان را به قبول مسئولیت بیشتر در قبال بقیه اروپا هدایت خواهد کرد؟ آیا ایتالیا، اسپانیا و یونان می‌توانند اوضاع اقتصادی خود را بهبود بخشند؟ نسخه کشورهای شمال در کشورهای جنوبی اروپا را درمان خواهد کرد؟ بحران مهاجرت چه بر سر پیمان شینگن و آزادی نقل مکان افراد در داخل اتحادیه خواهد آورد؟ بریتانیایی‌هایی که به بروکسل و دیگر پایتخت‌های اروپایی می‌روند، معمولاً با این پرسش روبه‌رو می‌شوند که "بریتانیا واقعا دنبال چیست؟" رهبران و مقامات اروپایی هنوز به‌روشنی نمی‌دانند بریتانیا در چارچوب مذاکره مجدد درباره رابطه‌اش با اتحادیه اروپا به چه می‌خواهد برسد. آیا این کشور بر بازپس‌گیری برخی اختیارات از اتحادیه اصرار خواهد کرد؟ آیا سعی خواهد کرد از خود در مقابل "اتحادیه‌ای هرچه تنگاتنگ‌تر" محافظت کند؟ در آخر این که سال ۲۰۱۴ نشان خواهد داد که آیا اتحادیه اروپا از چشم میلیون‌ها رأی‌دهنده اروپایی افتاده یا نه. بزرگ‌ترین سوال پیش‌روی این اتحادیه متشکل از ۲۸ کشور این است که آیا می‌تواند رشد اقتصادی و رفاه را برای شهروندانش فراهم کند، یا سال‌های پیش‌رو با رکود همراه خواهد بود؟

کرده‌اند. هم‌اکنون بانک مرکزی اروپا نسبت به بانک جهانی حالتی مغلوب پیدا کرده است. این در حالی است که پیش از تشدید بحران اقتصادی اروپا، چنین نسبتی میان این دو نهاد مالی وجود نداشت و بانک مرکزی اروپا از قدرت مانور فوق‌العاده‌ای در راستای مقابله با هرگونه بحران احتمالی در قاره سبز برخوردار بود. رفتارهای اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که آنها در کنار تکرار بسته‌های اقتصادی و تأکید بر راهکارهای درونی برای خروج از بحران به دنبال یافتن منابع اقتصادی بیرونی نیز هستند که محور آن را رویکرد به قدرت‌های جدید اقتصادی همچون چین، هند و اتحادیه‌های منطقه‌ای همچون آسه‌آن تشکیل می‌دهد. رویکرد به افزایش اعضای اتحادیه در قالب کشورهای حوزه بالکان و کشورهای جدا شده از شوروی سابق، بعد دیگر تحرکات اروپا است تا در لوی آن بتواند منابع جدید اقتصادی کسب کند. نکته قابل توجه آنکه اروپایی‌ها رویکرد به خاورمیانه [غرب آسیا و شمال آفریقا] را در جمع اولویت‌های خود قرار داده‌اند که فروش تسلیحات به کشورهای عربی و نیز احیای روابط با ایران را می‌توان در این چارچوب مشاهده کرد.

با این حال اروپای ۲۰۱۴ سوالات زیادی را باید پاسخ دهد. آنکلا مرکل سومین دوره صدارت

بحران اقتصادی در اروپا در سال ۲۰۱۳ میلادی سبب شد تا اکثر شهروندان اروپایی به عملکرد دولتمردان‌شان و نیز بانک مرکزی اروپا در حل و فصل بحران مالی معترض باشند. این در حالی است که دولت‌های اروپایی و بانک مرکزی اروپا عملاً قدرت برآورده ساختن حداقل‌ترین خواسته‌های مالی شهروندان کشورهای عضو و غیرعضو منطقه یورو را ندارند که نتیجه آن را در تظاهرات مردمی در بسیاری از کشورهایی اروپایی می‌توان مشاهده کرد.

بیکاری، بی‌پولی و اعتبار از دست رفته

در هفته‌های پایانی سال ۲۰۱۳ رهبران اروپایی طرح کلی ایجاد یک اتحادیه بانکی را تهیه کردند. هنوز نکات زیادی در این طرح باید به بحث گذاشته شود، اما دلیل اصلی وجود بحران در اتحادیه اروپا این است که ۲۶ میلیون نفر بیکار در آن وجود دارد. مثلاً در اسپانیا ۲۷ درصد نیروی کار بیکار است. البته در این بین اندک بارقه‌های امیدی وجود داشته است، اما این پیشرفت‌های ناچیز به اندازه‌ای نبوده که به کاهش چشمگیر شمار بیکاران منجر شود. نکته قابل توجه آنکه ساختارهای مالی اروپا در وضعیت بحرانی قرار گرفته‌اند که عملاً اعتبار اروپا را زیر سؤال برده است. کشورهای پرتغال، یونان، اسپانیا و قبرس کشورهایی هستند که کمک‌های مالی بانک جهانی را دریافت

ساختارهای مالی اروپا
در وضعیت بحرانی
قرار گرفته‌اند که
عملاً اعتبار اروپا را
زیر سؤال برده است.
کشورهای پرتغال،
یونان، اسپانیا و
قبرس کشورهایی
هستند که کمک‌های
مالی بانک جهانی را
دریافت کرده‌اند.
هم‌اکنون بانک مرکزی
اروپا نسبت به بانک
جهانی حالتی مغلوب
پیدا کرده است

